پیکارپامیر
۲۰۱۵/۱۱/۲۷

وقایع افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱٤ میلادی

(بخش‌چهاردهم)

رسوایی های اشغالگران درعراق

تجارب ِتلخ وخونینی که ازجنگ ِعراق بدست آمد، همه را به این نتیجهٔ قاطع نزدیک نمود که اشتعال ِآتش ِجنگ توسط جورج بوش درخاکِ عراق، نه تنها یک اشتباه ِعظیم ِسیاسی – تاریخی بود، بلکه جنایت بارترین جنگ درطول تاریخ ِبشرنیز به حساب رفت. یکی از سیاست های نظامی امریکا درجنگِ عراق این بود که هیچ خبرنگارِ مستقل را درمناطق ِجنگی راه نداد ومغایرهرنوع ادعای آزادی رسانه ها، مناطق جنگی را کاملاً تحت سانسورقرارداد و یاساحاتِ متذکره را توسطِ گزارشگرانِ خاص مربوط وزارت دفاع

امریکا مطابق شرایط ِاز قبل تعیین شده تحت پوشش گرفت. ولی شاهدان ِعینی وقسماً گزارشهای مؤثق تر ِتلویزیون " الجزیره " و منابع ضد ِجنگ افشا نمودند که شدت ِبمباران، قساوت و کشتارِ سربازان ِعراقی و حتا افرادِ غیرنظامی بحدی بود که مقام های امریکایی نخواستند صحنه های وحشتناک ِچنین جنایات به نمایش گذارده شوند .بازهم، برخی از گزارشها بیان داشتند که جنگنده های امریکایی حتا بالای ده ها هزار سرباز ِعراقی که با درفشِ سفید، تسلیمی شان را اعلام میکردند، نیربگونهٔ بیرحمانه یی بمب ریختند و آنها را قتل عام نمودند.

یکی ازخبرنگاران ِغربی با یکی ازسربازان ِجوان و " تانکیست " امریکایی دربغداد، مصاحبه یی انجام داده ضمن گفت و شنید، از سربازِمذکور پرسید چگونه دوست و دشمن را تشخیص میدهد؟" سرباز ِجوان با بی مبالاتی کامل اظهار داشت که **" وقتی بیر مینوشیم و صدای موسیقی را نیز بلند میسازیم، هرکس و هرچیزکه دربرابرما ظاهر میشود، بالای آن شلیک میکنیم و همین " !**

سرباز ِدیگر امریکایی بنام . . . که متأهل بوده و صاحبِ چند فرزند نیز میباشد، وقتی ازعراق برگشت، با خونسردی عجیبی گفت که **" دوهزار و هفتصد و هفتاد و دو نفر عراقی را به قتل رسا نیده و هیچ ندامتی هم ندارد " .**

یکی ازمؤظفین زندان " ابوغریب " که درپایانِ مأموریتش به امریکا برگشته است، طی یک مصاحبه اعتراف نموده که یکی از شکنجه های مرگبار ِامریکاییان درزندانِ ابوغریب، برهنه ساختن ِاسیرورهاکردن ِسگ ِهاربجان او، غرض ِجدا کردن ِآلهٔ تناسلی از بدنش بود. این امریکایی گفته است که خود، شاهدِ ارتکابِ سه صد عمل از این نوع بوده است .

صحنه یی ازیکنوع شکنجه توسط سگهای هارامریکایی دردرون زندان ابوغریب

این، البته نمونه های بسیارکوچکی ازبرخورد ها، بیرحمی ها و شیوه های شکنجه و کشتار ِسربازان و افسران ِامریکایی در کشورهای اشغال شده و یا مورد ِحمله میباشد. درحالیکه صد ها و هزارها عمل ِضد ِحقوق بشری و ضد ِکرامتِ انسانی آنها درافغانستان و سایر نقاط ِجهان صورت گرفته است که یا اسناد ِآن تا هنوز بدست ما نرسیده و یا اصلاً اسناد و مدارک ِمربوط به این اعمال ِشرم آور، ازسوی مقام های ذیصلاح، مخفی نگهداشته شده است. یعنی آنچه ما میشنویم و یا میخوانیم، نمونهٔ بسیار اندکی از انبوه ِاعمال و اقدامات ِابرقدرت ِجهان میباشد .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

درهمین شب و روز، وزرای امورخارجهٔ کشورهای "کنفرانس اسلامی" که شامل ِپنجاه وهفت مملکت اسلامی میباشد، درقطردایرگردید و ضمن آنکه حادثهٔ تروریستی یازدهم سپتامبر نیویارک را محکوم نموده آنرا یک عمل ِتروریستی و ضد اسلامی خواندند، واکنشِ شدیدِ نظامی ایالات متحده و بمبارانهای پیهمِ آن کشوربالای خاکِ افغانستان را نیز تقبیح نمودند. کنفرانسِ مذکور، طی صدورِ قطعنامه یی اظهار داشت که **" تلفات ِجانی مردم افغانستان در نتیجه ی این بمباران ها زیاد است، درحالیکه آنها همه تروریست نیستند ".**شیخ جاسم بن حامد وزیرامورخارجه ی قطرعلاوه نمود **" همانطور که مخالفِ اعمال ِتروریستی هستیم ، مخالف ِعکس العمل نظامی نیز میباشیم " .**

کنفرانسِ مذکور، حملهٔ نظامی امریکا بالای عراق را نیزدر موقعش محکوم نموده بود .اقدامات و عملیات ِنظامی امریکا علیه عراق، علی رغم تلاشهای دیپلوماتیکِ کاخ سفید، پنتاگون و وزارتِ امورِخارجهٔ آنکشور، مورد تأیید ِهیچ مملکت ِجهان قرارنگرفت. حتا سازمان ملل که در بسا موارد، وسیلهٔ توجیه کنندهٔ سیاست های نظامی امریکا بوده است، این اقدام ِجورج دبلیو بوش را مورد تأیید قرارنداد. ولی ازآنجاییکه قبلاً نیزگفتیم، اشغال ِعراق از جملهٔ برنامه های قبلی و فیصله شدهٔ مقام های امریکایی (گروه محافظه کاران ِنوین) بود، بنابرآن، رییس جمهور، بی پرده و با صراحت اظهار داشت که **" حتا اگر سازمان ملل موافق هم نباشد، به عراق حمله خواهیم کرد ".**

جورج.دبلیو بوش، طی یک صحبت ِرسمی، خطاب به شهروندان ِامریکا گفت **" : امریکاییان {درجریان جنگ ضد تروریسم} باید آماده ی پذیرش تلفات جانی باشند " .**وی علاوه نمود که**} " : جنگ درافغانستان} هنوز آغازِ یک جنگ ِگسترده علیه تروریسم میباشد " .**جورج. دبلیو بوش درپاسخ ِیک سوأل که نتیجهٔ بی اعتنایی صدام حسین دربرابر بازرسان ِسازمان ِملل چه خواهد بود، اظهارداشت که **" صدام خود، نتیجه را خواهد دید (۳۲) "**بلی ! نه تنها صدام حسین " نتیجه " را دید، بلکه واقعاً مردم جهان نیز دیدند که چطور کشورِمستقل ِعراق اسیرِ دست ِابرقدرت ِامریکا و انگلیس شد، به چه شیوه هایی صد ها هزارانسان ِعراقی (اعم ازمدافع نظامی و بیگناهان ِمُلکی به شمول ِزنان و کودکانِ معصوم (جوقه جوقه بکام ِآتش ِمرگ رفتند و چه جفا هایی نبود که درحق ِملت ِعراق روا داشته نشد .

یکی ازنشریه های افغانی بنام " شبکهٔ اطلاع رسانی افغانستان" طی شمارهٔ مورخ ۱۳۹۲/٦/۷ خورشیدی خویش، برای آنکه اهداف و ماهیتِ سیاسی نظام ِسرمایه داری امریکا خوبترشناخته آید، آماری را ازسلسله تجاوزها واقدامات ِخونین ِنظامی امریکا ظرف دو سدهٔ اخیر ازنظرتاریخی چنین به نشر رسانید :

*** "در۲۹ دسامبر ۱۸۹۰ م، گرُدان هفتم ِسواره نظام ِامریکا در داکوتای جنوبی، چهارصد تن از مردان، زنان و کودکان ِسرخ پوست ِ مریکایی را قتل عام کرد .**

***درجریانِ جنگ ِجهانی دوم، سربازان ِامریکا از رسیدن ِغذا به اسرای آلمانی جلوگیری نمود تا هزاران آلمانی بر اثر گرسنگی بمیرند .**

***نیرو های امریکایی تمام آلمانی ها ی عضو وافن اس اس را که در داخائو در سال ۱۹٤٥ به اسارت گرفته بودند در دَم، تیرباران کردند.**

***نیرو های لشکر ٤٥ پیادهٔ نیروی زمینی ارتش امریکا، هفتاد و پنج اسیر جنگی ایتالیایی را قتل عام کردند .**

***دربمباران "درسدن " در جنگ ِجهانی دوم، پنجهزارو پنجصد بمب افگن ِنیروی هوایی سلطنتی بریتانیا و نیروی هوایی ارتش امریکا، سه هزار و نهصد تُن بمب ِانفجاری قوی و بمب های آتشزا را طی چهار یورش، در کمتر از پانزده ساعت بر روی درسدن ریختند و سی و چهار کیلو متر مربع از شهررا ویران کردند تا آمار ِکشته شد گان حاصل از این بمباران از سی و چهار هزار نفر تا یکصد و سی و چهار هزار نفر ثبت گردد. { ثبت شد)**

***بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی توسط ارتش امریکا یکی دیگر از جنایات ِو حشیانهٔ کاخ سفید است .**

*** کشتار ِغیر نظامیان ِکرهٔ جنوبی در طول ِجنگ کره نیز از موارد ِننگین ِاین جنایات به شمار میرود که سر بازانِ امریکا سه صد شهروند روستای نوگون را به رگبار بستند .**

***درماجرای جنگ ویتنام، فقط در ۱٦ مارچ۱۹٦۸م، پنجصد و چهار شهروند غیرنظامی جمهوری ویتنام جنوبی توسط سربازان ارتش امریکا به قتل رسیدند که اکثر قربانیان ِغیرنظامیان زن و کودک بودند و قبل از قتل، برخی از قربانیان موردِ تجاوز، شکنجه و قطع اعضا نیز قرار گرفته بودند .**

***درجریان ِجنگ ِعراق، جورج بوش، شکنجه را به صورتِ سیستماتیک مُجاز اعلام کرد.**

***درسال ۲۰۰۱، سندی از وزارت دفاع امریکا به دست آمد که نشان میداد درطی سالهای ۱۹٦۲ تا۱۹۷۳م ، هزاران سرباز ِامریکایی به طور ِعمدی در معرض ِعوامل ِشیمیایی و بیو لوژیک قرار گرفته اند که بر اثر این**

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

آزمایشها، بعد از مدتی جانِ خود را از دست داده اند ".
خوشبختانه هنوز شخصیت های علمی، سیاسی وفلسفی زیادی درایالات متحدۀ امریکا وجود دارند که نه تنها مخالفِ سرسختِ سیاست های خطرناکِ کاخ سفید درحق ملل جهان اند، بلکه با قلم و بیانِ صریح ودلیرانه، این سیاست ها را به باد انتقاد هم می گیرند. از آن جمله، " نوآم چامسکی " زبان شناس، تحلیلگر وفیلسوفِ معروفِ آن کشور است که همیشه با نگارشِ مقاله های تحلیلی و انتقادی، پرده از روی اعمالِ رهبرانِ دولتی امریکا بر میدارد .
خبرگزاری " راشا تودی "، یک قسمت از اظهاراتِ " چامسکی " را چنین به نشر رسا نید ... " :**ایالات متحده، کشور تروریستی {است} و این، به دلیلِ عملیات های مرگبارِ سی آی ای در کشور هایی مانند نیکاراگوا و کیوباست "...**
خبرگزاری مذکورعلاوه نمود که " **نوآم چامسکی این سخنان را با اشاره به بازنگری اسنادِ محرمانۀ آژانس استخباراتِ مرکزی امریکا (سی آی ای) و تلاشِ آنان برای مسلح کردنِ شورشیانِ سراسرِجهان طی ٦٧ سال خدمتِ این نهاد مطرح کرد".**
به گزارشِ این خبرگزاری، چامسکی گفته است که " **امریکا در دهۀ ١٩٨٠ از رژیم اپارتاید افریقای جنوبی حمایت کرد و برای محافظت از خود، در برابر آنچه گروه های تروریستِ بدنام می نامید، به انگولا حمله کرد ...تلفاتِ جنگِ تروریستی بلند مدت با تحریم های خورد کننده، تشدید شد وامروزه به رغمِ مخالفتِ جهان، همچنان ادامه دارد"...**
البته این آمار، درمقایسه با حوادثِ خونینِ تاریخی – نظامی امریکا به شمول سرهم بندی کودتا های نظامی درکشورهای مختلف و طرح و تطبیقِ برنامه های مخفی جهانی آن، خیلی محدود و نا کافی بحساب میرود. اما باز هم آمارِ بالا بمثابۀ مُشت نمونۀ خروارِدر اینجا گنجانیده شد .
مبصرین ِسیاسی وتحلیلگران ِاوضاع درسالهای بعد ازاشغال ِعراق وافغانستان نیزدرارتباط به عروج ِمجددِ گروه طالبان علیه مردم افغانستان و نیرو های " جامعۀ جهانی " در این کشور، گفتند که مقام های نظامی پاکستان، کشورهای شیخ نشین ِحاشیۀ خلیج فارس و سایرمنابع مخفی ضد امریکایی ازاین مشغولیت ِعمدۀ نظامی امریکا در خاکِ عراق استفاده نموده در زنده ساختن ِمجددِ این گروهِ ساقط شده، تمویل و تجهیز ِآنان درخاک ِپاکستان و گسیل ِآنها به سوی افغانستان، مؤثرانه اقدام نمودند .

نامۀ یک کهنه سرباز امریکایی عنوانی " بوش " و " چنی "

جنگ درخاکِ عراق و اشغالِ نظامی آن کشورتوسط نیروهای امریکایی و انگلیسی چنان دهشتناک ، خونین و تبهکارانه بود که علاوه ازنابود سازی صد ها هزارانسانِ عراقی وتخریبِ بنیادِ هستی فردی وملی مردم آنکشور، موجباتِ قتل، معلولیت وبیماریهای روانی هزاران عسکروافسرِ مهاجمان را نیزفراهم آورد که ما طی صفحاتِ آینده، تاجای امکان دراین موردنیزخواهیم پرداخت. دراینجا، اززمرۀ هزارها سربازبیمار، معیوب ونومیدِ امریکایی که ازجنگِ عراق برگشته اند، نامۀ حزن انگیزِ یکی از آنها عنوانی " بوش " و معاونش (چنی) را دراینجا نقل میکنیم .
باید افزود که این نامه ازسوی " تاماس ینگ " سربازِ فلج شدۀ امریکایی نوشته شده و درشمارۀ بیست و یکم ماه مارچ سال ٢٠١٠ م " گلوبال ریسرچ " بچاپ رسید. اینک، ترجمۀ نامۀ متذکره را به نقل ازوبسایت " اصالت " درج این صفحه میکنیم :

" من به مناسبتِ دهمین سالروزِ جنگِ عراق از نامِ همرزمان و یترانم { کهنه سربازان } درعراق، این نامه را مینویسم. این نامه را از نامِ ٤٤٨٨ سرباز بحری که در عراق کشته شده اند، مینویسم. این نامه را از نامِ صد ها هزار ویتران {کهنه سرباز }که زخمی شده اند و از نامِ آنهایی که زخم های بدنی و روانی، زنده گی شان را بر باد نموده است، مینویسم. من یکی از آن زخمی های شدید استم. درسال ٢٠٠٤ من در بازارِ صدر طی یک کمینِ شورشیان فلج شدم. زنده گی ام به پایانِ خویش نزدیک شده است و من تنها زیرِ مراقتِ بیمارستان زنده مانده ام. من این نامه را از نامِ شوهران و خانم هایی مینویسم که همسرانِ خویش را از دست داده اند، از نامِ کودکانی که یکی از والدینِ خویش را از دست داده اند، از نامِ پدران و مادرانی که پسران ودخترانِ خود را از دست داده اند و از نامِ آنهایی که شب و روز هزاران همرزم ویتران {کهنه سرباز } مرا که زخم های روانی دارند، پرستاری میکنند. من این نامه را از نامِ آن ویتران { کهنه سربازان } مینویسم که از خویشتن متنفر اند و زخم های ناشی از مشاهدۀ آنچه را آنها در عراق شاهد بوده اند، متحمل گردیده و یا خود انجام داده اند، ایشان را به انتحار کشانده است، از نامِ آن سر باز های نیروی بحری که هم اکنون مشغولِ اجرای وظیفه اند و تقریباً هر روز یک تن، دست به انتحار میزند. من این نامه را از نامِ تقریباً یک ملیون عراقی که کشته شده و از نامِ عراقی های بیشماری که زخمی شده اند،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

مینویسم. من این نامه را از نام ِهمهٔ ما، بقایای انسانی یی که از جنگ شما بجا مانده اند، آنهایی که روز های بعدی زنده گی خویش را تا اخیر در درد و اندوه ِپایان ناپذیر به سر خواهند بُرد، مینویسم. من این نامه را، واپسین نامه ام را برای شما آقایان بوش و چینی مینویسم. من این نامه را بخاطر آن نمی نویسم که گویی تصور کرده باشم تا شما پیامد های خشن ِدروغها، دستکاریها و تشنه گی به قدرت و ثروت ِتان را درک کرده اید. من این نامه را به این سبب مینویسم که قبل از مرگم میخواهم روشن سازم که من و صد ها هزار سرباز ِما با ملیون ها هموطن ما و صدها ملیون ِدیگر در عراق و خاور میانه کاملاً آگاهی داریم که شما کی استید و چی کردید؟ شما شاید بتوانید از حکم ِعدالت فرار کنید، اما در انظار ِما هرکدام ِتا ن روشن ترین جنایت کار های جنگی، دزدان و در نهایت آدمکُشان استید، یعنی آدم کُش هایی که زندهٔ گی و آیندهٔ هزارها جوان ِامریکایی (همرزمان ما) را ربوده اید. پُست های دولتی تان، ثروت های ملیون دالری شخصی تان، مشاوران ِروابط اجتماعی تان، امتیازات و قدرت ِتان هیچ یک نخواهد توانست هرزه گی خصوصیات ِشخصیتی تا ن را پنهان کند. شما آقای چنی، مفرور ِجنگِ ویتنام و شما آقای بوش که از واحد ِگارد ِملی خود فرار کردید، ما را به عراق گسیل داشتید تا از برای شما بجنگیم و کشته شویم. نا مردی وخود خواهی شما از ده ها سال به اینسو حاکم است. شما خود حاضر نبوده اید تا برای ملت ِما کوچکترین خطری را قبول کنید، اما صد ها هزار دختر و پسر ِجوان را در یک جنگ بی مفهوم فرستادید تا خود را قربانی کنند، بدون ِتشویش از آنکه گاهی اینها به زباله دان تعلق خواهند گرفت. من دو روز بعد از حملات ِیازدهم سپتمبر به اردو پیوستم. به اردو به سببی بود که کشور ما مورد ِحمله قرار گرفته بود. من میخواستم با آنهایی بجنگم که حدود سه هزار انسان ِشهروند ِ ما را به قتل رسا نده بودند. من برای اعزام به عراق، کشوری که در حملات ِیازدهم سپتمبرهیچ دخالتی نداشت و تهدیدی برای همسایه های خویش نیز نبود، چه رسد به تهدید ِایالات متحده، داخل اردو نشده بودم. من به اردو نپیوستم تا عراقی ها را " نجات " بخشم و یا تجهیزات ِسلاح ِکشتار ِجمعی تخیلی را نا بود کنم و یا هم آنچه را شما با اشتیاق ِتمام " دموکراسی " خواندید، در بغداد و خاور میانه تزریق نمایم. من برای باز سازی عراق به اردو نپیوستم که در آن زمان شما برای ما گفتید ، میتواند با پول ِعاید از نفت عراق تلافی گردد. برخلاف، این جنگ برای ایالات متحده سه تریلیون دالر هزینه برداشت. جنگ ِعراق درتاریخ ِایالات متحده یک اشتباه ِعمیق ِاستراتژیک بود. این باعث ِاز بین بردن ِتناسب ِقوا در خاور میانه گردید و باعث ِاستقرار یک دولت ِفاسد و خشن ِهوادار ِایران دربغداد شد که از راه ِبکار بستِ شکنجه، مرگ و ترور به استحکام ِقدرت دست یافت و این باعث گَردید تا ایران به یک نیروی مطرح در منطقه مبدل گردد. از هرجناح (اخلاقی، استراتژیک، نظامی و اقتصادی) عراق یک شکست بود و این شما ها بودید آقایان بوش و چینی که جنگ را آغاز کردید واین شما هستید که باید پیامد های آنرا جبران کنید. ... من آرزو دارم که شما به محکمه کشانده شوید، اما از همه بیشتر امیدوارم بخاطر خود تان، شما شهامت ِاخلاقی پیدا کنید تا به آنچه که برای من و تعداد کثیری از دیگران که مستحق ِزنده گی بودند، انجام دادید، اعتراف نمایید. من امیدوارم که قبل از پایان روز های زنده گی تان در روی زمین، به شکلی که از من اکنون درحالت ختم شدن است، شخصیتِ شما توانایی آنرا در یابد تا در برابر ِمردم ِامریکا وجهان و به خصوص مردم عراق بایستید و استدعای پوزش نمایید "...

تاماس ینگ ، نویسندهٔ نامه

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ